

## اهمیت سرمایه اجتماعی در نظام آموزشی

عالمه عبادی جامخانه<sup>۱</sup>

زهرا ولی پور قادیکلانی<sup>۲</sup>

زهرا ولی پور متانکلانی<sup>۳</sup>

### چکیده

مفهوم سرمایه، یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر است. این مفهوم طی چهار دهه گذشته دست‌خوش تحولاتی گردیده است که به واسطه آن‌ها شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه نظیر سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می‌باشیم. از این حیث از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به عنوان مهمترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزائی در ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی دارد.

نقش معلم در تربیت دانش‌آموزان و پرورش نسل آینده در هر کشوری بسیار مهم و اساسی است و این امر در صورتی تحقق پیدا خواهد کرد که مقام و منزلت معلم ارتقاء یابد و مشکلات مادی و دغدغه‌های فکری او به نحوی شایسته برطرف شود. معلمی که همیشه با چهره پریشان و مغموم به کلاس می‌رود، به‌طور یقین شاگردان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را نیز افسرده می‌کند. این مسئله به تدریج بر روح و روان دانش‌آموزان اثر منفی می‌گذارد و از میزان علاقه آن‌ها به یادگیری و فعالیت‌های آموزشی می‌کاهد.

دانش‌آموزان نیز به پیروی از معلم خود، برای آموزش و یادگیری موضوعات درسی، رغبت و تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند و به تدریج دلسرد و لاقید می‌شوند و این مسئله بر افت تحصیلی آن‌ها اثر قابل توجه‌ای خواهد داشت. معلم باید رفتارش به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به راحتی بتوانند ناراحتی‌ها و مشکلات خود را با او در میان بگذارند.

**واژگان کلیدی:** معلمان، سرمایه اجتماعی، آموزش، جامعه.

۱. آموزگار ابتدایی شهرستان بهشهر؛ کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

۲. کارشناس حرفه‌ای آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی شهرستان گرمساربخش ایوانکی.

۳. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و مدیر مدرسه شهید اطهری شهرستان ساری.

## مقدمه

انسان به‌طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل و نقش آن‌ها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد. در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموعه عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آن‌ها را به سوی دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. شناخت سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد و مؤلفه‌های آن در جامعه کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد.

امروزه، در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، از نوع دیگری از سرمایه به نام سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> نام برده می‌شود. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌گردد. سرمایه اجتماعی که صبغه‌ای جامعه‌شناسانه دارد، به عنوان یک اهرم توفیق‌آفرین مطرح و مورد اقبال فراوان واقع شده است. سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد. استنباط جاکوب<sup>۲</sup> از سرمایه اجتماعی عبارت از شبکه‌های فشرده‌ای از مردم که در محدوده حومه قدیمی و مختلط شهر برای حفظ نظافت، پیشگیری از بروز جرم و جنایت‌های خیابانی و نیز اجرای دیگر تصمیمات مربوط به بهبود کیفیت زندگی تلاش می‌کنند، بوده است. اهمیت این شبکه‌ها در آن بود که اعضای آن‌ها مسئولیت و مشارکت بیشتری در خصوص حل مسائل و مشکلات شهری، نسبت به عوامل رسمی کنترل‌نظم و امنیت اجتماعی حس می‌کردند.

هرچند سرمایه اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به تازگی در علوم اجتماعی مطرح شده است، لیکن با کنکاش در آثار و نوشته‌ها و نظریه‌های اندیشمندان، بویژه جامعه‌شناسان در می‌یابیم جامعه‌شناسان اولیه و کلاسیک به نکاتی اشاره دارند که می‌توان آن‌ها را معطوف به بحث سرمایه اجتماعی مطرح کرد. به عنوان نمونه، می‌توان از جامعه‌شناسانی چون امیل دورکیم<sup>۳</sup> در بحث درونی کردن ارزش‌ها و انواع مختلف همبستگی (مکانیکی و ارگانیکی)، جورج زیمل<sup>۴</sup> در مباحث «پویایی رابطه گروهی»، کارل مارکس<sup>۱</sup> در بحث از ظهور

1 Social Capital

2 jacob

3 E. Durkheim

4 Georg zimmel

آگاهی طبقاتی، ماکس وبر<sup>۱</sup> در موضوعاتی چون «اعتماد ناشی از ضمانت اجرا» و عقلانیت صوری و ذاتی در بازار و فردیناند تونیس در موضوع «گمیشافت و گزلفاشت» به نوعی سرمایه اجتماعی را مطرح نموده‌اند. جامعه شناسان با مطرح نمودن مباحث کلیدی در نظریاتشان، منابع سرمایه اجتماعی را عبارت از اعتماد اجتماعی<sup>۲</sup>، مشارکت اجتماعی<sup>۳</sup>، انسجام و همبستگی اجتماعی<sup>۴</sup> و آگاهی اجتماعی می‌دانند که هر کدام از این منابع نقشی اساسی در پیشبرد اهداف جامعه دارند (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۶: ۲۳).

### تعریف سرمایه اجتماعی:

مفهوم سرمایه، یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر است. این مفهوم طی چهار دهه گذشته دست‌خوش تحولاتی گردیده است که به واسطه آن‌ها شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه نظیر سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می‌باشیم. در این میان، سرمایه اجتماعی که شکل اخیر نظریه‌های جدید سرمایه به شمار می‌آید، در عین آن که پیوستگی مفهومی خود را به دلیل بعضی مضامین مشترک با سرمایه در معنای کلاسیک و جدید خود حفظ نموده است، اما بیشتر از اشکال دیگر سرمایه حالتی استعاره‌ای داشته و نیز از عینیت کم‌تری برخوردار است، ضمن این‌که در ادبیات نظری و تجربی مربوطه؛ این مفهوم در برخی موارد، در معانی بسیار متفاوت و کارکردهای بسیار متنوع به کار رفته است. از این‌رو، بازنگری این مباحث برای مقایسه و طبقه‌بندی تعاریف، کارکردها و در نهایت رویکردهای نظری مطرح در این حوزه، خصوصاً به دلیل نو بودن این مفهوم حائز اهمیت است.

مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه و هنجارهای حاکم بر آن می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نمایند. به عبارت ساده‌تر، فرد در طول زندگی اجتماعی خود به انحاء مختلف و به میزان‌های مختلفی و به کیفیت‌های متفاوتی با شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است (رضایی و احمدلو، ۱۳۸۴: ۱۶).

جیمز کلمن اولین محقق بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی و به عملیاتی کردن آن پرداخت (شارع پور، ۱۳۸۳: ۳۰۰). او به نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی و پیامدهای آموزشی و تحصیلی آن علاقه‌مند بود. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا

1 Karl Marks

2 Max Weber

3 Social Trust

4 Social Participation

5 Social Integration

با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی است که انواع رفتار خاص را تشویق یا منع می‌کنند.

کلمن سرمایه اجتماعی را سرمایه و منابعی می‌داند که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (شارح پور، ۱۳۸۶: ۲۳۱). به زعم او سرمایه اجتماعی برخی از جوانب ساختار اجتماعی بوده و در واقع برخی از واکنش‌های درون ساختار را تسهیل می‌کند. بورديو معتقد است فرد می‌تواند صاحب سرمایه اجتماعی باشد، ولی برخلاف او کلمن عقیده دارد که سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی تعلق دارد و فرد نمی‌تواند صاحب آن باشد. کلمن از سرمایه اجتماعی به عنوان یک ابزار مفهومی در تحلیل ترک تحصیل یا شکست تحصیلی دانش‌آموزان بهره گرفته است. او علاقه‌مند به کشف این موضوع بود که چگونه سرمایه اجتماعی موجود در خانواده و اجتماع منجر به سرمایه انسانی برای فرد می‌شود.

از نظر پیر بورديو: سرمایه اجتماعی عبارت است از: موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را افزایش می‌دهد (علوی، ۱۳۸۰: ۲۱).

به اعتقاد رابرت پانام، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجود گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها گفته می‌شود که با ایجاد و تسهیل امکانات و هماهنگی، منابع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد (مبارکی، ۱۳۸۳: ۲۰).

فوکویاما مطرح می‌کند سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میان آن‌ها مجاز است در آن سهیم و ذی‌نفع هستند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۳۳). از نظر لوری سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی و اجتماعی کودک یا جوان سودمند است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۱).

کمپل<sup>۱</sup> و جاو چلوویچ سرمایه اجتماعی را به عنوان انسجام اجتماعی محلی دارای چهار ویژگی زیر می‌دانند:

۱- وجود مجموعه‌ای مترکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی محلی؛

۲- سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت شبکه‌ها در اجتماع؛

۳- هویت محلی قوی و احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی؛

۴- هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی (ازکیا و غفاری، ۲۷۸:۱۳۸۳).

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن مناسب حاصل می‌شوند، دربرگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوند اجتماعی هستند که موجب گرد هم آمدن افراد به صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شوند. صاحب‌نظران در ارتباط با عوامل مؤثر بر ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به مواردی از قبیل آموزش و پرورش (اسمیت<sup>۱</sup>، بیولیو<sup>۲</sup> و سرانین<sup>۳</sup>)، بهداشت (اسمیت)، اطمینان و اعتماد به نهادهای سیاسی (بریهم و راهن) و رضایت از دولت و تعهد سیاسی (پوتنام) اشاره کرده‌اند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۱۲).

در مجموع می‌توان گفت منظور از سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی می‌باشد.

با توجه به تعاریف فوق، سرمایه اجتماعی در دو نوع کلی متصور می‌باشد:

۱- سرمایه اجتماعی شناختی (رابطه‌ای): این نوع سرمایه در سطح خرد می‌باشد و به صورت انتزاعی به مؤلفه‌هایی چون اعتماد، هنجارها و ارزش‌ها اشاره دارد که کنش‌های متقابل افراد را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد (پاراس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳: ۴).

۲- سرمایه اجتماعی ساختاری (نهادی): این نوع از سرمایه اجتماعی به سطوح میانی و کلان جامعه اشاره دارد و جنبه‌های قابل رؤیت و عینی‌تر آن را نشان می‌دهد. در این سطح، به جنبه‌هایی چون روندهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که جامعه را در رسیدن به اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هدایت می‌کند، اشاره دارد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۷).

بر اساس سرمایه اجتماعی شناختی یا رابطه‌ای، یک شبکه اجتماعی، عبارات از یک گروه از درون به هم پیوسته از افرادی است که معمولاً یک نسبتی دارند. مثلاً آن‌ها ممکن است یک ورزش خاص را دوست داشته باشند و یا

1 smite

2 biolio

3 seranin

4 Paras

ممکن است یک شغل یا مذهب مشترک داشته باشند. در یک سطح بسیار خرد، خویشاوندان یا گروه‌های دوستی و ویژگی‌های شبکه اجتماعی را نشان می‌دهند. گروه‌های متفاوت اغلب مجموعه‌های اجتماعی خاص خود و سطوح تعهد متقابل بین اعضای گروه را دارند.

اعتماد، سطح اطمینانی است که مردم دارند، مبنی بر اینکه دیگران طبق آنچه می‌گویند عمل کرده و یا انتظار می‌رود عمل کنند و اینکه آنچه دیگران می‌گویند قابل اعتنا است. اعتماد اجتماعی (یا اعتماد عمومی) به سطح عمومی اعتماد در یک جامعه بر می‌گردد. مثلاً چقدر یک فرد می‌تواند به غریبه‌ها اعتماد کند و به نهادهای از پیش مواجه نشده، اعتماد کند (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۴).

### سطوح تعریف سرمایه اجتماعی

بر اساس دیدگاه‌های موجود می‌توان در سه سطح سرمایه اجتماعی را تعریف کرد:

- سطح خرد (روابط بین فردی):

در این سطح از تعریف، سرمایه اجتماعی بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد، هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آن‌ها تأکید می‌گردد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی موضوعاتی اعم از شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود و به عنوان یک حس تعلق و همبستگی، پایه به هم پیوستگی اجتماعی (Social Cohesion) می‌شود (کاراکن و دیگران، ۱۹۹۸). پوتنام، نظریه‌پرداز مشهور، سرمایه اجتماعی را مجموعه ارتباطات افقی بین افراد و شبکه اشتغال‌های مدنی می‌داند که واسطه بین هنجارها و اجرای قوانین جامعه می‌باشد و موجب جلب و حفظ اعتماد افراد نسبت به اعتبار این قوانین و روابط اجتماعی می‌شود، با این تعریف، سرمایه اجتماعی، سازمان اجتماعی اعم از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد (که همکاری و هماهنگی دو جانبه را برای تأمین منافع تسهیل می‌کند) می‌باشد و خانواده، دوستان و همسایگان رکن اساسی آن به شمار می‌روند.

- سطح میانی (انجمن‌ها و سازمان‌های رسمی و غیر رسمی):

در این سطح، نظریه‌پردازانی همچون «کلمن» سرمایه اجتماعی را نوعی موجودیت با دو عنصر در نظر می‌گیرند که نخست برخوردار از جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی است؛ دوم، کنش‌های خاص کنشگران (حقیقی یا حقوقی) را درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند. این مفهوم، ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها و روابط بینابینی (اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی) در زمره آن قرار می‌گیرند. کلمن اعتماد، اختیار و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی یک گروه می‌داند.

- سطح کلان (نهادهای اجتماعی):

در این سطح اندیشمندانی چون «مورث» سرمایه اجتماعی را شامل روابط قراردادی و روابط ساختاری نهادهای کلان (اعم از دولت، حکومت سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی) می‌داند. روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین و مقررات، چارچوب‌های حقوقی، حکومت سیاسی، سطح مشارکت، سطح تمرکز و فرآیند شکل‌گیری سیاسی و سطح کلان سرمایه اجتماعی را شامل می‌شود. از این نظر سرمایه اجتماعی، مجموع نهادهایی که جامعه را پی‌بندی می‌کنند، نیست؛ بلکه عامل نگه داشتن آن‌ها در کنار هم است (بهزاد، ۱۳۸۴: ۴۴).

کریشنا<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) دو نوع سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

۱- سرمایه اجتماعی نهادی<sup>۲</sup> که نوعی سرمایه اجتماعی ساختارمند<sup>۳</sup> است و قواعد و رویه‌های موجود در رفتار افراد را هدایت می‌نماید.

سرمایه اجتماعی ارتباطی<sup>۴</sup> که فاقد ساختارمندی<sup>۵</sup> و پراکنده می‌باشد.

انواع سرمایه اجتماعی مورد نظر کریشنا در جدول زیر آمده است:

سرمایه ارتباطی	سرمایه نهادی	نوع سرمایه
روابط	مبادلات	پایه کنش جمعی
اعتقادات، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها	نقش‌ها، قواعد و رویه‌ها، ضمانت‌ها	منبع انگیزش (حرکت)
رفتار مناسب	رفتار حداکثری	ماهیت انگیزش (حرکت)
خانواده، قومیت، مذهب	بازارها، چارچوب قانونی	موارد

(منبع: غفاری، ۱۳۹۰: ۴۲).

ولکوک بر مبنای نوع رابطه، سرمایه اجتماعی را در سه نوع کلی تقسیم می‌کند:

۱- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی<sup>۶</sup>: این نوع از سرمایه با پیوستگی قومی، مانند پیوستگی‌های میان اعضای خانواده یا میان اعضای یک گروه قومی شناخته می‌شود.

- 1 Krishna
- 2 Institutional capital
- 3 Structured
- 4 Relational Capital
- 5 Amorphous
- 6 Bonding Social Capital

۲- سرمایه اجتماعی بین گروهی<sup>۱</sup>: این نوع سرمایه با پیوندهای ضعیف و کم عمق تر که پیوندهای بین گروهی را موجب می شود مانند همکاری های تجاری، دوستی یا گروه های قومی مختلف شناخته می شود.

سرمایه اجتماعی ارتباطی<sup>۲</sup>: این نوع سرمایه با پیوندهای بین افراد با منزلت های اجتماعی یا قدرت متفاوت مانند پیوند بین نخبه سیاسی و عامه مردم و یا بین افراد با طبقات اجتماعی متفاوت شناخته می شود.

نوع دیگر تقسیم بندی سرمایه اجتماعی توسط جانانان ترنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) مطرح شده است. ترنر سرمایه اجتماعی را در قالب سرمایه اجتماعی عام گرایانه<sup>۴</sup>، سرمایه اجتماعی خاص گرایانه<sup>۵</sup>، سرمایه اجتماعی عاطفی<sup>۶</sup> و سرمایه اجتماعی مبتنی بر دانایی<sup>۷</sup> تقسیم نموده است. ترنر در این تقسیم بندی بیشتر بر سرمایه اجتماعی عام گرایانه و خاص گرایانه اشاره دارد. از نظر وی، سرمایه اجتماعی عام گرایانه شعاع و گستره اش فراتر از اجتماعات خودی و محلی می رود مبتنی بر درک اثباتی و قواعد منطقی کنش در مقیاس های خرد، میانی و کلان است. بر عکس، سرمایه اجتماعی خاص گرایانه در شعاع اجتماعات محلی و خودی مطرح می شود و مبتنی بر قواعد و هنجارهای سنتی است.

به نظر کلمن، عوامل ساخت سرمایه اجتماعی از چهار دسته زیر نشأت می گیرد (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۲، به نقل از اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۴).

۱- **عوامل نهادی**: نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم مؤثر واقع شده و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای يك اجتماع سازمان یافته ایجاد می کند. مثال بارز يك نهاد، دولت است که به واسطه وضع قوانین و ایجاد نظام هدف دار موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود.

۲- **عوامل خودجوش**: هنجارهایی که بصورت خودجوش بجای قانون و دیگر نهادهای رسمی از کنش های متقابل اعضای يك اجتماع بوجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمدی نیست، به عنوان عوامل خودجوش در ایجاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شوند. این عوامل به دو دسته عوامل خودجوش عقلایی و عوامل خودجوش غیرعقلایی تقسیم می شوند.

- 
- 1 Bridging Social Capital
  - 2 Linking Social Capital
  - 3 Janatan Turner
  - 4 Generalized Social Capital
  - 5 Particularistic Social Capital
  - 6 Emotional Social Capital
  - 7 Knowledgeability Social Capital



هنگامی که کنش‌های افراد يك اجتماع در تقابل با یکدیگر هرچند غیر عمد، ولی بر اساس تعقل و تفکر صورت می‌گیرد، هنجارهایی را بوجود می‌آورد که زمینه ساز تشکیل سرمایه اجتماعی است. از این رو، تئوری بازی اقتصاددانان جزء این دسته عوامل جای دارد. ولی هنگامی که این کنش‌های متقابل، غیر منطقی و تصادفی باشند، مانند همیاری و همکاری زنبورهای عسل در ساخت کندو که بدون هیچ تعقل و تفکر و به صورت غریزی صورت می‌گیرد، با نام عوامل خودجوش غیرعقلانی دسته بندی می‌گردند.

### ۳- عوامل بیرونی

منظور از این دسته از عوامل، هنجارهایی است که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن بکار رفته، سرچشمه می‌گیرند. عواملی همچون دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی جزء این گروه طبقه‌بندی می‌گردند. کلمن می‌گوید: وبر به دین نه تنها به دلیل عامل ایجادکننده اخلاق در کار، بلکه به دلیل عامل ایجادکننده شبکه‌های اعتماد در روابط تجاری و مبادلات اقتصادی توجه می‌کند.

### ۴- عوامل طبیعی

در این گروه، دو دسته از عوامل به صورت روابط خویشاوندی و همبستگی‌های قومی و نژادی قرار می‌گیرند. اهمیت خویشاوندی در مقایسه با دیگر ساختارهای اجتماعی از يك جامعه با جامعه دیگر به میزان زیادی فرق می‌کند، اما در هیچ جامعه‌ای، خویشاوندی به طور کامل محو نشده است.

هریک از این عوامل، خود به گروه‌های کوچکتری قابل تقسیم هستند:

گروه‌های کلی گروه‌های جزئی

عوامل نهادی عقلانی و غیرعقلانی

عوامل خودجوش عقلانی و غیرعقلانی

عوامل بیرونی دین، ایدئولوژیك، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترك

عوامل طبیعی خویشاوندی، نژاد و قومیت



شبکه درون خانواده را به وسیله بررسی نسبت والدین به فرزندان اندازه‌گیری می‌کند. کلمن معتقد است سرمایه‌ای که رفتار زیان آور را محدود می‌کند باید موانعی را برای آنچه به عنوان رفتار قابل قبول یا غیر قابل قبول ملاحظه می‌شود ایجاد کند. منابعی که بیان آزادانه منافع شخصی را محدود می‌کند (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۴ به نقل از رایت و همکارانش، ۲۰۰۱: ۹). سرمایه اجتماعی درون خانواده شامل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین والدین و فرزندان است که برای فرزندان بویژه در دوران جامعه‌پذیری بسیار گران بها است. این سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در کنش متقابل بین افراد خانواده و با ایجاد فرصت برای کنش‌های بین شخصی و همچنین فراوانی و مدت زمان کنش ظاهر می‌شود. در بررسی کلمن نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسان است. او بر روابط والدین فرزندان تأکید می‌کند و از حضور فیزیکی والدین در خانواده و رسیدگی به فرزندان به عنوان شاخص اندازه‌گیری استفاده می‌کند. کلمن نمونه‌ای از دانش‌آموزان را مطالعه کرد و پیوندی بین سرمایه اجتماعی و انسانی به وجود آورد پیشفرض او این بود که سرمایه اجتماعی متفاوت خانواده‌ها، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی قابل دسترسی را برای کودکان ایجاد می‌کند. او سرمایه اجتماعی را با چند عامل زیر در ارتباط می‌داند:

- حضور والدین در خانه (یک یا هر دو نفر)

- تعداد فرزندان

- ترکیب متفاوت والدین

- انتظار مادران از آموزش بچه

- تحرک خانواده

- حضور در کلیسا

کلمن بیان می‌کند سرمایه اجتماعی خانواده همانند سرمایه‌های دیگر در خوشبختی کودک به ویژه دستاوردهای آموزشی او اثرات مهم و یکسانی دارد. وی سرمایه اجتماعی را در تسهیلات خوشبختی کودکان به عنوان منبعی لازم و ضروری می‌شناسد. به نظر کلمن سرمایه اجتماعی ذاتاً در روابط والدین و فرزند وجود دارد. او در مورد نحوه این روابط به میزان وقت و انرژی که والدین در کمک به فرزندان سرمایه‌گذاری می‌کنند اشاره دارد (نازک تبار و ویسی، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

یکی از مهمترین عوامل افت تحصیلی ویژگی‌های خانوادگی است که سبب بروز و ظهور افت تحصیلی می‌شود. خانواده یک نهاد اجتماعی کوچک است که اولین کانون تربیتی به حساب می‌آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می‌گذراند.

صاحب‌نظران روانشناسی و علوم تربیتی یکی از مهمترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می‌دانند، زیرا محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی و عاطفی آنان است. علاوه بر آن اهمیت خانواده و نقش آن در تربیت کودکان تقریباً در تمامی کتب روانشناسی تعلیم و تربیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که خانواده مهمترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت کودک داراست. این شکل‌گیری ممکن است مختل یا سالم باشد، پس والدین باید بدانند محیطی که برای فرزندان خود مهیا می‌کنند باید محیطی قوی و آکنده از صفا و صمیمیت و مهر و عطوفت همراه با نظم و انضباط ترتیب دادن بازی‌ها تفریحات مناسب و گردش‌های به‌موقع و ممکن متناسب با سن و سال کودکان باشد. پس مهمترین نقش خانواده ایجاد محیط آرام و مساعد برای مطالعه و انجام تکالیف درسی است. والدین می‌توانند با غنی کردن محیط خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نقش مهمی داشته باشد. آنان باید به جای خرید اشیاء غیرضروری برای استفاده فرزندان خود کتاب‌های درسی و وسایل کمک آموزشی تهیه کنند تا از این طریق هم دانش‌آموزان اوقات فراغت خود را به خوبی بگذرانند و هم به یادگیری آنان کمک شود (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۴۳).

## جو عاطفی روانی در خانواده

منظور از جو عاطفی خانواده، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم است. نظر افراد خانواده نسبت به هم و علاقه آن‌ها به یکدیگر و چگونگی دخالت آن‌ها در کارهای هم و همکاری یا رقابت آن‌ها با یکدیگر، نحوه ارتباط ایشان را نشان می‌دهد. هر خانواده‌ای برخوردار از شکل خاصی از فضای روانی-عاطفی است که تعیین‌کننده نوع رفتارها و روابط بین اعضای آن است که ممکن است به سه صورت زیر ظاهر گردد:

۱- فضای پذیرنده و احترام متقابل به یکدیگر:

از خصوصیات افراد این خانواده می‌توان احترام نسبت به یکدیگر، همکاری با هم داشتن قدرت اظهارنظر، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، همفکری و همدلی باهم را نام برد.

۲- عدم دخالت در کار یکدیگر و آزادی مطلق:

از خصوصیات این خانواده می‌توان آزادی مطلق افراد در خانه، عدم دخالت در کارهای یکدیگر، هرج و مرج در روابط خانوادگی، عدم توجه به مصالح و منافع دیگران و بی‌احترامی را نام برد.

۳- دیکتاتوری یا حاکمیت یک نفر بر اعمال و رفتار دیگران:

در چنین محیطی ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. تمایلات و احتیاجات بچه‌ها به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بچه‌هایی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند احساس امنیت نمی‌کنند، جرئت اظهار نظر ندارند و در نتیجه استعداد و مهارت‌های آن‌ها فرصت بروز پیدا نمی‌کنند، در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند و در مقابل دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می‌گیرند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۱).

نحوه ارتباط والدین با یکدیگر و با دیگر اعضای خانواده و امنیت یا عدم امنیت در خانه اثر مستقیم بر روی کودکان دارد. چنانچه والدین نتوانند محیطی آکنده از صفا و صمیمیت به وجود آورند، محیط خانواده به کانون تشنج، بگومگو، اختلافات ریشه‌دار و درگیری مکرر والدین تبدیل می‌گردد و بچه‌ها شدیداً احساس عدم امنیت کرده، سعی در فرار از خانه و خانواده خواهند داشت و به دنبال آن دانش‌آموز دچار افت تحصیلی خواهد شد. وقتی محیط خانواده آکنده از محبت و احترام باشد، دانش‌آموز از آن احساس رضایت می‌کند، از تشویق و دلگرمی والدین خود برخوردار می‌شود، از بودن با اولیای خود لذت می‌برد، محیط خانه را به محیط بیرون از خانه ترجیح می‌دهد و از کمک و راهنمایی والدین خود بهره‌مند می‌شود. اگر والدین نیاز فرزندان را برنیاورند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیت‌ها یا افراد جدید از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نیستند (شارع پور، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

والدین باید با اطلاع از وضعیت روحی و جسمانی و وضعیت تحصیلی فرزند خود و نیز آگاهی از چگونگی توجه و کمک به او که در سایه همکاری و هماهنگی با مربیان انجام خواهد گرفت، بستر و فضای لازم را برای پیشرفت تحصیلی فرزند خود فراهم و او را راهنمایی کنند و به جای دخالت یا انجام تکالیف فرزند خود، فقط نظارت و مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند.

### – سرمایه اجتماعی درون و خارج از خانواده:

روابطی است که بین بچه‌ها و اولیای آنان (و اگر خانواده شامل اعضای دیگری نیز باشد، بین آنان و بچه‌های خانواده) برقرار است. به بیانی دیگر، اگر سرمایه انسانی پدر و مادر با سرمایه اجتماعی نهفته در روابط خانوادگی تکمیل نشود، برای رشد آموزشی فرزند علی‌السویه است که پدر و مادرش سرمایه انسانی را به مقدار کلان یا به مقدار اندک در تملک داشته باشد. از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی که برای رشد جوانان مهم است منحصراً در

محدوده خانواده جای ندارد، می‌توان آن را در بیرون از خانواده، در جامعه، دربرگیرنده روابط اجتماعی که میان پدر و مادرها و در بستگی که به وسیله این ساختار روابط به نمایش در می‌آید و بالأخره در [شبکه] ارتباطات پدران و مادران با نهادهای جامعه نیز یافت (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۸).

### ج) آموزشگاه و مدرسه:

همه ما توانایی و استعداد خلاقیت را داریم، ولی در طول زندگی و در مسیر آموزش و تعلیم یاد می‌گیریم که غیر خلاق باشیم. «تورنس» پس از تحقیقاتی اعلام کرد که منحنی خلاقیت عده زیادی از کودکان در حدود ده سالگی دچار افت و کاستی می‌شود، بطوری که آن‌ها به هیچ‌وجه خلاقیت دوران کودکی خود را نمی‌یابند. روشن است که عوامل زیادی از قبیل خانواده، مدرسه، محتوای آموزشی، روش‌های یاددهی - یادگیری، شخصیت معلم و سایر عوامل و مسائل آموزشی در صعود یا سقوط خلاقیت کودکان دخالت دارند. مسئله توسعه خلاقیت در نظام آموزش رسمی، بیشتر از این جهت حائز توجه است که بر اساس پژوهش‌ها و تجربیات مشخص شده است که ابتکار و خلاقیت در اغلب کودکان مشاهده می‌شود، ولی منحنی تحول آن‌ها در حدود ده سالگی افت می‌کند؛ و در بزرگسالان نیز خلاقیت کمتر دیده می‌شود، در نتیجه یکی از سؤال‌هایی که مطرح می‌گردد، این است که: چه بر سر توانایی بالقوه فرزندان ما می‌آید؟

بعضی معتقدند که بروز نکردن بیشتر این توانایی عمومی به نامناسب بودن تعلیم و تربیت مربوط می‌شود. خلاقیت یک امر اکتسابی است که می‌توان آن را از راه آموزش و تعلیم در افراد ایجاد کرد، از این رو اگر دانش‌آموزان در مدرسه تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار بگیرند، نه فقط دچار افت تحصیلی نمی‌شوند، بلکه خلاقیت آن‌ها نیز افزایش پیدا خواهد کرد. اساسی‌ترین کار مدرسه آموزش تفکر به دانش‌آموزان است (شارع پور، ۱۳۹۵: ۲۴۴).

کارل برایتز معتقد است که تفکر جز به هم پیوسته آموزش روزانه، در تمام موضوعات درسی است. برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان باید تفکر قالبی کلاس شکسته شود. در محیطی که مسائل و مشکلات کلاس درس از طریق فعالیت‌های غیر خلاق حل و فصل می‌شود، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که فعال و کنجکاو بوده و تفکر خلاق، واگرا و آفریننده داشته باشند، از اینرو مدارس نباید خلاقیت کودکان را محدود نمایند، بلکه باید با برنامه‌ریزی صحیح و منطقی و ارائه راهکارهای جدید، هر چه بیشتر و بهتر زمینه گسترش و رشد شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم نمایند (امینی و مشال‌لهی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

دانش‌آموزان نیز به پیروی از معلم خود، برای آموزش و یادگیری موضوعات درسی، رغبت و تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند و به تدریج دلسرد و لاقید می‌شوند و این مسئله بر افت تحصیلی آن‌ها اثر قابل توجه‌ای

خواهد داشت. معلم باید رفتارش به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به راحتی بتوانند ناراحتی‌ها و مشکلات خود را با او در میان بگذارند.

عشق و علاقه معلم به دانش‌آموزان باعث می‌شود که آن‌ها از درس و سخنان معلم بیشترین استفاده را ببرند. معلم باید به همه دانش‌آموزان به یک اندازه مهر و محبت نماید، زیرا این کار سبب می‌شود که آن‌ها انگیزه بیشتری برای یادگیری پیدا کنند. اگر معلم در زمانی که دانش‌آموزان برای یادگیری آماده نیستند، اقدام به تدریس نماید، به هیچ وجه نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

معلمی که از اصول، قواعد و نتایج حاصل از تحقیقات روانشناسی تربیتی آگاهی ندارد و با تندخویی و عصبانیت کلاس را اداره می‌کند، کلاس درس او بسیار غم‌انگیز و ملال‌آور خواهد بود. تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در محیط‌های پرنشاط و با طراوت بهتر و سریع‌تر می‌آموزند؛ بنابراین هرچه محیط کلاس شاداب‌تر و صمیمی‌تر باشد، دانش‌آموزان با میل و علاقه بیشتری به یادگیری و فعالیت‌های آموزشی می‌پردازند.

معلم باید قادر باشد که گفته‌های خود را در قالب کلمات مناسب، بسیار ساده و شیرین بیان کند تا دانش‌آموزان بتوانند به راحتی آن‌ها را درک کنند. اگر معلم بتواند با بیان فصیح و روان، پیچیده‌ترین فرمول‌های ریاضی، مسائل دشوار فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و... را برای دانش‌آموزان بصورت قابل فهم درآورد، شور و شوق آن‌ها را برای یادگیری بیشتر برانگیخته می‌کند.

قدرت بیان معلم از عوامل مؤثر در یادگیری دانش‌آموزان است، زیرا به آن‌ها کمک می‌کند تا مطالب درسی و محتوای آموزشی را به راحتی درک کنند و از یادگیری و فعالیت‌های آموزشی لذت ببرند. معلمی که در مقابل مشکلات دانش‌آموزان صبر و حوصله ندارد، نمی‌تواند به درستی آن‌ها را هدایت و راهنمایی کند، در نتیجه دانش‌آموزان از درس و مدرسه بیزار می‌شوند. معلم باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه کند، از خصوصیات رشد و تکامل آن‌ها آگاه باشد و در ارائه محتوای آموزشی و موضوعات درسی، توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان را نیز در نظر بگیرد.

معلم نباید دانش‌آموزان را با هم مقایسه کند، بلکه باید آن‌ها را با توجه به تفاوت‌های فردیشان یاری دهد. اگر معلم به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجهی نداشته باشد و محتوای درسی یکسانی را برای تمامی آن‌ها ارائه دهد، به‌طور یقین تعدادی از دانش‌آموزان قادر به درک آن نخواهند بود و بتدریج به افت تحصیلی دچار خواهند شد. اگر معلم اعمال و رفتار شایسته‌ای در کلاس درس نداشته باشد و قوانین و مقررات مدرسه را به‌طور دقیق و

صحیح رعایت نکند، دستورات، تدریس و حرف‌های او برای دانش‌آموزان بی‌ارزش خواهد بود و چندان توجهی به درس و فعالیت‌های آموزشی نشان نخواهند داد.

معلمی که اطلاعات و دانش کافی دارد، بهتر می‌تواند به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهد، حس کنجکاوی و خلاقیت آن‌ها را برانگیزد و در تدریس و ارائه محتوای درسی موفقیت بیشتری به دست آورد. در نتیجه روحیه تحقیق، کنجکاوی و جستجوگری در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود و آن‌ها با مطالعه و خواندن کتاب‌های مختلف، آگاهی و اطلاعات خود را روز بروز گسترش می‌دهند. معلم باید در رشته تدریس خود تسلط داشته باشد، از شیوه‌های متعددی در تدریس استفاده کند، روش‌های مؤثر و راه‌حل‌های جدید را بیاموزد و در کار خود انگیزه و اعتمادبه‌نفس داشته باشد. علاوه بر این معلم برای حفظ و افزایش کارآمدی خود باید مدام در حال یادگیری باشد، تحولات و پیشرفت‌های مربوط به حرفه خود را پیگیری نماید تا بتواند دانش‌آموزانی توانا، خلاق و باانگیزه پرورش دهد.

معلم باید قسمتی از وقت خود را صرف برنامه‌ریزی و تهیه و تدوین برنامه‌های درسی بنماید تا بتواند راحت‌تر به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد. معلم باید برنامه درسی را به گونه‌ای در کلاس درس اجرا کند که با موقعیت کلاس و خصوصیات شاگردان مناسب باشد. معلمی که در تدریس خود طرح، نقشه و هدف مشخصی ندارد، نمی‌تواند در کلاس درس و فعالیت‌های آموزشی خود موفق باشد.

از این‌رو کاری جز تعیین تکالیف نامناسب و بدون هدف انجام نمی‌دهد که نتیجه‌اش آشفستگی کلاس و ناکامی دانش‌آموزان خواهد بود. معلم باید باثبات باشد و تحت تأثیر عواطف و هیجان‌اتش تصمیم‌گیری و قضاوت نکند. معلم باید در برابر تمایلات غیر معقول دانش‌آموزان مقاومت و سرسختی نشان دهد و آن‌ها را در مسیر واقعی اهداف آموزشی هدایت کند.

معلم بی‌ثبات و متزلزل نه تنها قادر نیست که دانش‌آموزان را در رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت یاری دهد، بلکه به دلیل بی‌توجهی و سهل‌انگاری در کلاس، یکی از عوامل اصلی در افت تحصیلی آن‌ها نیز به شمار می‌آید. معلم باید بتواند مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها، راهبردها و اقدامات خود را به گونه‌ای در کلاس به کار گیرد که آموزش‌های او به حداکثر کارایی و اثربخشی برسد. معلم باید از اصول و قوانین اداره کلاس آگاه باشد، با خشونت و عصبانیت امر و نهی نکند و به تنبیه بدنی و ایجاد رعب و وحشت در بین دانش‌آموزان متوسل نشود. معلم باید بتواند ضمن تدریس، مدیریت مناسبی در کلاس درس داشته باشد، با دانش‌آموزان به راحتی ارتباط برقرار کند و با ارائه تجربیات بسیار جذاب، آموزنده و مفید آن‌ها را پیوسته خشنود، سرحال و آماده برای یادگیری نگه دارد (علاقه بند، ۱۳۸۹: ۶۵).



## نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی در سرمایه اجتماعی، نقش معلم به عنوان مهمترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. تمامی فعالیت‌های معلم مانند شناخت فرایند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه‌های تدریس، علاقه‌مندی به رشته تدریس و... از عواملی هستند که در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دخالت زیادی دارند. معلم باید با خصوصیات رشد و احتیاجات فراگیرندگان در هر یک از دوره‌های تحصیلی آشنا باشد؛ زیرا هیچ معلمی نمی‌تواند بدون شناخت دانش‌آموزان از لحاظ رشد ذهنی، عاطفی، روانی، اجتماعی و غیره در تدریس خود موفقیتی کسب کند. از آنجاکه تربیت عمدی کودکان بیشتر در مدرسه و به دست معلمان صورت می‌گیرد، بنابراین مسئولین امر باید در انتخاب و گزینش معلم دقت و وسواس بیشتری به خرج دهند و بخصوص سلامت روانی معلم باید فوق‌العاده موردنظر اولیای آموزش و پرورش باشد؛ زیرا دانش‌آموزان نه‌تنها مطالبی را که مستقیماً از طرف معلم گفته می‌شود، می‌آموزند، بلکه رفتار، حرکات، نگرش‌ها، مهارت‌ها و خلاصه کل شخصیت معلم در آن‌ها اثر می‌گذارد.

نقش معلم در تربیت دانش‌آموزان و پرورش نسل آینده در هر کشوری بسیار مهم و اساسی است و این امر در صورتی تحقق پیدا خواهد کرد که مقام و منزلت معلم ارتقاء یابد و مشکلات مادی و دغدغه‌های فکری او به نحوی شایسته برطرف شود. معلمی که همیشه با چهره پریشان و مغموم به کلاس می‌رود، به‌طور یقین شاگردان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را نیز افسرده می‌کند. این مسئله به تدریج بر روح و روان دانش‌آموزان اثر منفی می‌گذارد و از میزان علاقه آن‌ها به یادگیری و فعالیت‌های آموزشی می‌کاهد.

نفوذ معلم بر دانش‌آموزان، نقش مهمی در سلامتی فکری و روانی آن‌ها دارد. این نفوذ معلم ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد، مانند تقلید، الگوسازی و گاهی هم همانندسازی؛ بنابراین عدم تعادل روانی معلم اثرهای بدی در دانش‌آموزان خواهد گذاشت. مثلاً معلمی که عاطفه همدردی ندارد و دانش‌آموزان خود را درک نمی‌کند، هرگز نمی‌تواند در تعلیم و تربیت آن‌ها موفق باشد و علاوه بر افت تحصیلی، ممکن است به شخصیت دانش‌آموزان هم صدمات زیادی وارد نماید. اگر معلم عاشق کارش نباشد، حداقل باید به آن علاقه‌مند باشد، زیرا این علاقه‌مندی اثرات بسیار مثبتی در کار و حرفه‌اش خواهد گذاشت، معلمی که کارش را با بی‌میلی انجام می‌دهد، به گفته‌های خود و مطالبی را که برای دانش‌آموزان بیان می‌کند، هیچ‌گونه اعتقادی ندارد.

## منابع:

- آبروشیانی، فریبرز (۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه هرسین. پایان‌نامه ارشد.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- الوانی، سیدمهدی و بی‌نیاز، سید تقوی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، مجله مطالعات مدیریت، ش ۳۳.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۶)، مبانی روان‌شناختی افت تحصیلی، تهران، انتشارات مدرسه
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر علوم نوین.
- بهائلو، بهار (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر افت تحصیلی مقطع متوسطه و نحوه جذب فراگیران در خمینی‌شهر، پایان‌نامه ارشد
- بهزاد، د. (۱۳۸۴)، تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مجموعه مقالات سمپوزیوم سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی رفاه اجتماعی تهران دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، صص ۸۳-۱۰۱.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، وسایل ارتباط جمعی و تغییرات ارزش‌های اجتماعی، تهران، نشر کتاب افرا.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، نوبت اول.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه‌ای اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- شریفی، اسماعیل و کاکاوندی، اکرم (۱۳۸۹)، رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی) بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شعبانی، حسن (۱۳۸۶)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت.
- صالحی، مهرداد؛ پهلوان، منوچهر؛ شجاعی، علی‌اصغر (۱۳۹۶). بررسی رابطه افت تحصیلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مجله پژوهش اجتماعی، شماره ۴۰.
- صفوی، امان‌الله (۱۳۶۵)، افت تحصیلی در ایالات متحده آمریکا و علل آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۷ و ۸، تهران.

- طبیان، شیوا؛ کریمیان، حبیب‌الله (۱۳۹۷) بررسی و مقایسه میزان تأثیر عوامل خانوادگی و اجتماعی بر افت تحصیلی دانش‌آموزان، مجله پژوهش اجتماعی، شماره ۴.
- عابدینی، یاسمین (۱۳۸۶)، رابطه درگیری تحصیلی، اهداف پیشرفت و پیشرفت تحصیلی مدل ساختاری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم ریاضی و علوم انسانی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- عسکریان، م. (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات توس.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان.
- کوهستانی حسن (۱۳۹۲)، بررسی افت تحصیلی. پایان‌نامه ارشد، رشته تکنولوژی آموزشی، دانشگاه تهران.
- متوسلی، محمود و بی‌نیاز، علی (۱۳۸۱) رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۳، سال هفتم.
- مطهری، ابوالفضل (۱۳۸۱). بررسی عوامل درون مدرسه‌ای مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۸۰-۷۹، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان قم.
- محمدی، سید تقی؛ کاظمی، نواب؛ رسول‌زاده، وحید (۱۳۹۸)، تحلیل ادراک و تجربه زیسته معلمان ابتدایی شهرستان طارم. مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۱۱.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ لغت. تهران: نشر امیرکبیر.
- نعیمی، زینب (۱۳۹۵)، بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با عزت نفس و عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- نیکلز، مایکل پی (۱۳۹۳)، خانواده درماتی: نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌ها، مترجمان، فرزانه نجاریان و همکاران، تهران: نشر رشد.
- هاریسون، پل (۱۳۹۴)، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، تهران، نشر فاطمی.

-منابع انگلیسی

- Abbi, K. & Dehghan, H. (2011). Social capital among Indian and Iranian youth and their families. *International Journal of Social Sciences*, 1(1), 3-7
- Adane, Linda Ofosua (2013). "Factors legon in partial fulfillment of the requirements for the award of master of philosophy in social work degree.
- Curling, Fred. N. (۲۰۰۹), *Fundamentals of Research in Behavioral Sciences*, Translated by Pasha Sharifi and Najafi Zand, Tehran: Ava Noor Publications.